

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۲۰ جولای ۲۰۱۲

ادامه تجهیز اتمی صهیونیسم با یاری امپریالیسم

دولت صهیونیستی اسرائیل یک رژیم تجاوزکار، اشغالگر، نژادپرست و جنایتکار جنگی است، معذک دارای صدها بمب اتمی است، که آنها را به یاری دول "هوادر حقوق بشر" کسب کرده است. تعداد بمبهای اتمی اسرائیل از تعداد ممالک "مسلمان بنیادگرا" بیشتر است. رژیم صهیونیستی اسرائیل به هیچ کدام از مصوبات و قطعنامه های سازمان ملل متحد که به نفعش نباشد، تن در نمی دهد و با قلدری و سینه سپر کردن به امپریالیست امریکا تکیه می دهد و رجز می خواند و معذک دول "هوادر حقوق بشر" به وی نه تنها یاری می کنند تا به بمب اتمی مجهز شود، بلکه شیوه های استفاده از آن را گسترش مؤثر دهد. دولت صهیونیستی اسرائیل میلیونها فلسطینی را از سرزمینهای اباة اجدادی آنها تاراند، میلیونها نفر را سرکوب کرده و از تمام حقوق انسانی محروم کرده است و با اعضای بدن فلسطینی ها به تجارت پرسود پیوند اعضا بدن مشغول است و معذک دول "هوادر حقوق بشر" از یاری به این دیو افسار گسیخته چند سر، ابائی ندارند. کار به جایی رسیده است که وقتی کسی سخنانی در مورد "هواداری از حقوق بشر" می شنود از خویش می پرسد، چه دسیسه دیگری برای نابودی انسانها، توسط امپریالیسم و صهیونیسم در پیش است. بر این همه ریاکاری چه می توان کرد، جز افشاءگری و آنهم در یک مبارزه نا برابر. رسانه های گروهی امپریالیستی و صهیونیستی که انحصار شست و شوی مغزی را در دست دارند، به جعل اخبار در مورد بمب اتمی موهومی ایران مشغولند، ولی در مورد صدها بمب اتمی واقعی اسرائیل سکوت کرده اند. سازمان جهانی انرژی هسته ئی که مدعی نظارت بر فعالیتهای هسته ئی و کمک به کشورهایی است که علاقه مند به دستیابی به این فناوری هستند، سفری به اسرائیل برای کنترل فعالیتهای اتمی اش نمی کند و بهانه اش این است، که اسرائیل خلاف اکثریت ممالک جهان قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی را امضاء نکرده است. استدلال عجیبی است. آنها که این قرارداد را امضاء کرده اند باید مجازات شوند و آنها که به تمایل عمومی وقع نمی گذارند، مجازند تا بمب اتمی بسازند.

دارا بودن بمب اتمی که پرتابش می تواند مانند فاجعه هیروشیما و ناکازاکی به نابودی صدها هزار نفر و امروزه به نابودی میلیونها انسان پر تلاش بینجامد، یک امر حقوقی نیست که بتوان با اتکاء به یک امضاء و یا خودداری از آن از این امر گذشت. اگر امپریالیستها و صهیونیستها کوچکترین تمایلی در این عرصه داشتند، می توانستند با بسیج افکار عمومی و فشارهای مالی و تحریمهای اقتصادی هم اسرائیل و هم پاکستان و هند را به امضاء و احترام به این قراردادها مجبور سازند.

سازمان جهانی انرژی هسته ئی اساساً به روی خود نمی آورد، که در تأسیسات اتمی کوریای جنوبی و برزیل و آرژانتین... فعالیتهائی صورت می گیرد که شبیه برانگیزند و گاه و گداری به بیرون درز می کنند. تو گوئی سازمان جهانی انرژی هسته ئی را تنها برای نظارت بر تأسیسات هسته ئی ایران خلق کرده اند. سازمان جهانی انرژی اتمی در حقیقت به ابزار دست تبلیغات امپریالیستها و به سازمان جاسوسی آن ها تبدیل شده است، وگر نه چگونه ممکن است، سازمانی که فقط وظیفه اش یک وظیفه فنی است و نه سیاسی، در گزارشهای خویش همواره به موضعگیریهای جانبدارانه سیاسی بپردازد؟ وگر نه چگونه ممکن است که دبیرکل این سازمان نظیر البرادعی، بعد از مذاکره با ایران برای دادن گزارش و دلجوئی از اسرائیل به آن کشور سفر کند و با کسانی که قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته ئی را امضاء نکرده اند و مرتب تصمیمات سازمان ملل را به زیر پا می گذارند، در مورد سطح پیشرفت فناوری هسته ئی در ایران صحبت کند تا آنها نگرانی نداشته باشند؟ چه کسی چنین حق ویژه ای را برای صهیونیستهای اسرائیلی در جهان قائل شده است؟ یهوه یا حضرت موسی؟!.

مضحک است که در آستانه هر مذاکره هسته ئی با ایران صهیونیستهای اسرائیل که خود به معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی تن در نداده و آن را امضاء نکرده اند، برای روند مذاکره با ایران شرط و شروط می گذارند. ممالک امپریالیستی طرف مذاکره ایران نخست نظر یک کشور خاطی و گردنکش را در مورد مسیر مذاکرات و نتایج قابل قبول و مطلوب برای آنها پرس و جو می کنند. این وضعیت که صهیونیستها حق دارند نتایج مذاکره را از قبل بپذیرند یا نپذیرند به امری کاملاً طبیعی در جهان و در افکار عمومی بدل شده است. امپریالیسم و صهیونیسم معیارهای تعیین ارزشها را در جهان رقم زده اند و به شست و شوی مغزی مشغولند. صهیونیسم به آیت الله صهیونیسم بدل شده که سایرین مقلدان وی هستند.

دولت المان که جزء دول ۵+۱ است، به موجب قانون مصوبه مجلسش، حق ندارد تسلیحات نظامی، چه برسد به تسلیحات اتمی، به مناطق بحرانی و متشنج صادر کند. ما می پرسیم، منطقه ای متشنج تر از منطقه خاور میانه در جهان وجود دارد؟ روشن است که پاسخ منفی است. و معذک دولت "بشر دوست" المان هم به ترکیه که به سرکوب کردها مشغول است، و هر چند وقت یک دفعه با تأیید و رضایت ممالک پرمدعا و "بشر دوست"، با نقض منشور ملل متحد، به حریم کشور همسایه خود عراق تجاوز می کند، اسلحه می فروشد، و هم به دولت عربستان سعودی که در بنیادگرایی و ارتجاعی بودن در کل جهان بی همتاست. برای یاد آوری خوب است بدانیم که دولت ترکیه دولت متجاوزی است که بخشی از کشور قبرس را اشغال کرده است و از آنجا خارج نمی شود. ترکیه عضو پیمان ناتو است. حمایت ناتو از ترکیه و ادامه همکاری با آنها، حمایت از ادامه اشغال قبرس است. ببینید هیچ کس معترض این خودسری، نقض حقوق ملل، تجاوز و اشغالگری نیست.

هم اکنون منطقه خلیج فارس از تجهیزات نظامی ممالک امپریالیستی که به عربستان، امارات متحده عربی، کویت و عمان فروخته اند پر است.

در میان تسلیحاتی که به اسرائیل فروخته اند چندین زیردریائی اتمی است. تحویل این زیردریائی ها توسط دولت المان به اسرائیل با نقض آشکار مصوبات مجلس المان صورت گرفته است. و معذک هیچ کس صدای اعتراض بلند نمی شود. تنها گونتر گراس نویسنده مشهور المانی بود که به این امر معترض شد و صدایش را خفه کردند. آخر این چگونه مجلسی است که ظاهراً از نمایندگان ملت در یک جامعه تکثرگرا انتخاب شده و باید به مصوبات خودش احترام گذارده و بر قوه مجریه نظارت داشته باشد، ولی نمایندگانش بنا بر مصلحت "شورای مصلحت نظام" لب از لب باز نمی کنند؟ لحظاتی در سیاست فرا می رسد که پرده های تناثر پارلمانتاریسم به خوبی بالا می روند و منظره چرک و خون از پس آنها پیداست. برخورد به مسأله زیر دریائی اتمی که به اسرائیل داده شده است از زمره آنهاست.

اسرائیل قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته ای را امضاء نکرده است و معذک دولت المان برای تجاوز به ایران و ایجاد تشنج در منطقه به آنها، آنها، مهم نه یکی، بلکه ۳ تا ۷ زیر دریائی اتمی می دهد، که امکان پرتاب موشکهای "هوشمند" تا فاصله ۱۵۰۰ کیلومتر و در شرایطی تا ۲۵۰۰ کیلومتر را دارا می باشند. دولت المان نه تنها مصوبات مجلس خود را زیر پا می گذارد و نشان می دهد که وقتی پای منافع سیاسی در میان است، هیچکدام از این مصوبات و "دلاری های کتبی" ارزشی ندارند، بلکه قراردادهای جهانی را نیز به زیر پا می گذارد و برای آنها تره هم خورد نمی کند. این نقض قراردادهای جهانی توسط المان مورد تأیید سایر ممالک امپریالیستی و صهیونیستها نیز است. هیچ کس به این نقض قرار داد اعتراضی ندارد و خلاف فشاری که به ایران به بهانه فقدان صداقت می آورند، در مورد المان برای شرکت در مذاکرات به روند "راست آزمائی و اعتماد سازی" تکیه نمی کند. حقیقت این است که اعتماد نیز یک امر طبقاتی است، چاقو دستة خودش را نمی برد. ولی آنجا که پای ایران به میان می آید همه این ممالکی که قراردادهای جهانی را بی شرمانه نقض کرده اند با مصوبات غیرقانونی در شورای امنیت که محصول زورگویی است از دولت ایران می خواهند که به این مصوبات استعماری تن در دهد و به آن احترام بگذارد. آیا احساس تهوع به شما از این همه ریاکاری، دروغگویی، فریبکاری و بی شرمی زشت دست نمی دهد؟

المانها چنین استدلال می کنند که برای دادن چنین وعده هائی به دولت اسرائیل در محذوریت اخلاقی قرار داشته اند. زیرا در جنگ اول خلیج، صدام حسین اسرائیل را با موشکهای اسکاد خود مورد هدف قرار داد و در آنجا خساراتی به بار آورد. دولت صدام حسین در آن روزها دارای گازهای سمی خردل بود که با دست المانها و تأیید امریکائی ها ساخته شده بود و خلاف پیمانها و تعهدات جهانی، در جنگ از آن علیه سربازان ایران استفاده کردند. وجدان هیچ کدام از این "بشر دوستان" حرفه ئی معذب نشد. به عکس در اخبار به دروغ می گفتند که هر دو طرف از گازهای سمی در جنگ استفاده می کنند تا افکار عمومی خود را فریب دهند. در آن زمان صهیونیستها به راه افتادند و با فریادهای "ننه من غریبیم" از المان تقاضای ماسکهای ضد گاز کردند، تا جلوی "هولوکاستی" را که صدام حسین می خواست به وجود آورد و مجدداً یهودیها را گاز کش کند، بگیرد. البته هولوکاستی در اسرائیل به وجود نیامد، بلکه به عکس، هولوکاست در عراق با دست اسرائیل به وجود آمد. اسرائیلی ها به ادعای رسانه المانها، در آن تاریخ با المانها تماس می گیرند و تهدید می کنند که اگر آنها زیر دریائی در اختیارشان قرار ندهند، ترجیح بند "گاز، المان، یهودی، هولوکاست" را راه خواهند انداخت. المانها که از این لولخورخوره به شدت می ترسند، به این کار تن در می دهند و زیر دریائی ها را در ابتداء یک جفت و سپس با یک عدد دیگر اضافی به اسرائیل صادر می کنند و بخش مهمی از مخارج آن را نیز به عهده می گیرند. امروز نمایندگان امپریالیست المان به حضرت عباس سوگند می خورند که از نوع استفاده این زیردریائی ها خبری نداشته اند. آنها گویا نفهمیده اند که تغییرات ساختمانی در اصل

نقشه‌ها که کارشناسان اسرائیلی در همکاری با المانها در نصب استوانه‌های پرتاب موشک در داخل زیردریائی‌ها انجام داده‌اند، استفاده نظامی دارد. المانها خودشان را به کوچ‌های علی‌چپ می‌زنند که تحویل زیر دریائی به خودی خود جرم نیست، زیرا ما از تجهیزاتی که اسرائیلیها روی آن می‌گذارند و از آن استفاده دیگر می‌کنند بی‌خبر بودیم. کالاهای ارسالی ما زیردریائی بوده و نه زیر دریائی اتمی. ولی همین امپریالیست المان از تحویل کالاهای دو منظوره به ایران حتی در حجم کم نیز خودداری می‌کند. آنها از ارسال چند کیلو داروی بیهوشی در موقع سزارین بانوان به ایران جلوگیری کردند، گویا که این دارو می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و از آن با دو منظور استفاده گردد. استدلالشان نیز جالب بود: در امریکا برای اجرای حکم اعدام با صندلی الکتریکی قبلاً به مجرم این داروها را تزریق می‌کنند. پس این داروها در اجرای حکم اعدام نقش مقدماتی را ایفاء می‌کند. ما ایرانی‌ها به این گونه استدلال کردن می‌گوئیم آسمان و ریسمان را به هم بافتن.

کار به اینجا ختم نمی‌شود. نشریه اشپیگل شماره ۲۳ مؤرخ ۲۰۱۲/۰۶/۰۴ می‌نویسد، در پاسخ به پرسش لوتهار روهل Lothar Rühl جانشین وزیر دفاع المان در سفرش به اسرائیل در سال ۱۹۸۸، از معاون ستاد فرماندهی وقت، آقای ایهود باراک، مبنی بر این که "هدف عملیاتی و راهبردی" این قایقها چیست، وی می‌گوید: "ما آنها را برای امنیت ساحلی خود نیاز داریم". وی به بستن تنگه عدن از جانب مصر و جنگ شش روزه اشاره کرد و تأکید کرد که باید برای چنین مواقعی مجهز بود. به نظر آقای روهل این دلایل قانع‌کننده بود.

این که آقای روهل چه دروغی برای فریب افکار عمومی مردم المان و یافتن راه‌های فرار حقوقی اختراع کند، مهم نیست، مهم این است که ایشان به دلایل فروش این زیردریائی‌ها در سال ۱۹۸۸ اشاره و اعتراف می‌کند. درست خوانده‌اید، سال ۱۹۸۸. پرسش این است که در آن سال اساساً مسأله اتمی ایران مطرح نبود که اسرائیل نیاز به زیردریائی اتمی داشته باشد. در آن سال کسی از بمب اتمی موهومی ایران سخن نمی‌راند. جنگ افروزی اسرائیل از همان سالها روشن بود. تجهیز اسرائیل به بمب اتمی بخشی از سیاست ستراتیژیک امپریالیست امریکا در منطقه است تا چاه‌های نفت را از دسترس رقیبان خود مصون نگهدارد. تجهیز اسرائیل به بمب اتمی که سالها قبل از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است، با هدف مهار کردن رقیب امپریالیست امریکا بود که اگر جرأت کند به خاک امریکا تجاوز اتمی کند و ضربه نخست را وارد سازد، نتواند از دست ضربه ثانوی اتمی زیردریائی‌های اتمی، مجهز به موشکهای هدایت‌شونده، که ردیابی آنها در اقیانوسها آسان نیست، جان سالم بدر برد. این تجهیزات اتمی در زمان خودش برای مبارزه با ایران نبود، برای گسترش و توسعه نفوذ امپریالیسم در منطقه و رقابت قدرتهای امپریالیستی بزرگ بود. تجهیزات اتمی بر روی زیردریائی‌ها، کاربرد دیروز خود را به هیچوجه از دست نداده است و در آینده نیز از جنبه ایجاد هراس متقابل و "پیشگیری از جنگ" از دست نخواهد داد.

وضعیت کنونی بهانه خوبی است تا امپریالیستها منطقه را به انبار باروت بدل کنند و افکار و انظار را از سمت فجایعی که توسط اسرائیل صورت می‌گیرد منحرف نمایند. در پس فریادهای خطر بمب اتمی موهومی ایران به صهیونیسم یاری رسانند تا اهداف خویش را در فلسطین اشغالی تا حد مطلوب به پیش برد.

بمب اتمی موهومی ایران می‌تواند تمام فلسطین و اماکن مقدس مسلمانان را از بین ببرد، سوریه و لبنان را قربانی کند، اردن را به خاک سیاه بنشانند، برای عراق و مصر ایجاد اشکال کند، ولی استفاده از بمب اتمی اسرائیل علیه ایران چنین فاجعه‌ای برای اسرائیل به وجود نمی‌آورد، به ویژه این که ماشین دروغ و دغل‌سازی و جعل اخبار

نیز در دست آنهاست. ایرانی که اسرائیل را نابود کند، خودش نمی تواند دیگر چه از نظر مادی و چه معنوی در میان خلقهای جهان، خلقهای عرب و به ویژه مسلمانان جانی داشته باشد. بمب اتمی ایران تنها می تواند به زندگی ایران خاتمه دهد و نه به موجودیت صهیونیسم و امپریالیسم. حکومت ایران که در یکی از بحرانی ترین نقاط جهان، بیش از سی سال است که بر سر کار است آنقدر به اعتراف خود اسرائیلیها و غربیها خردمندی و قوه تعقل دارد که به این خطر خریدنها نپردازد.

بمب اتمی موهومی ایران و فشاری که از این بابت به ایران وارد می کنند، تنها نقض حقوق قانونی ایران نیست، آنها در پی نظارت و تسلط بر منطقه هستند و بمب اتمی موهومی ایران که خودشان از همه بهتر می دانند که این بمب موهومی است، در دست آنها اسلحه ای برای فشار بیشتر و مهار کردن رژیم جمهوری اسلامی است تا آنها را در مجاری به جریان بیندازند که برای منافع امپریالیسم مشکلاتی در منطقه خلق نکنند. آنها به تسلیم بی چون و چرای ایران در تمام زمینه ها نیاز دارند. بمب اتمی موهومی بهانه ای بیش نیست تا ریاکاری جهانی خویش را برای فریب افکار عمومی ادامه دهند. آنها به منطقه امن برای صدور بی مانع نفت نیاز دارند، آنها به سرکوب خلق فلسطین و لبنان نیاز دارند. آنها به تسلط اسرائیل بر منطقه نیاز دارند، آنها به پایگاه ایران برای محاصره روسیه و چین نیاز دارند، آنها به بازار فروش ایران، به مواد اولیه آن نیاز دارند. این نیازهاست که بمب اتمی موهومی ایران را هیولا می کند. بر مردم ایران است که از حقوق مسلم کشور ایران حمایت کنند. این حقوق ربطی به جمهوری اسلامی نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. هر نوع حکومتی که در ایران بر سر کار بیاید مانعی برای دفاع از حقوق حقه مردم ایران ایجاد کند. برای حفظ این حقوق باید رزمید و هشیار بود که ایران به مستعمره قدرتهای جهانی بدل نشود.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۸ تیر ماه ۱۳۹۱ ماه ژوئیه ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org
toufan@toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.
نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).